

نخبگانی که در سطح بنیاد ملی نخبگان دارای پرونده بوده (۱۴۸۰۰ نفر) را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها در سه بخش مجزای نیازها، موانع و مشکلات و راهکارها تجزیه و تحلیل شدند. براساس یافته‌های این پژوهش تعدادی از نیازها و مشکلات برای نخبگان عمومیت داشته و توجه ویژه‌ای را می‌طلبند که اهم این نیازها و مشکلات شامل «اشتغال متناسب با توانمندی‌ها، تسهیل ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی، بوروکراسی اداری و توجیه نبودن دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات و سازمان‌های مرتبط با امور نخبگان، مشکلات تسهیلات ارائه شده توسط بنیاد و بی‌توجهی به نخبگان حوزه‌ی علوم انسانی» هستند.

مطالعه دیگری در این موضوع به انجام رسیده است که با عنوان «پیامدهای بازاندیشی در مفهوم نخبگی» (منتظر، ناظمی، موسوی نسب، ۱۳۹۱) است و در یافته‌های این پژوهش آمده و به این موضوع اشاره دارد که در هر جامعه‌ای مجموعه‌ای از نهادها و سازوکارها با موضوع نخبگی و نخبگان ارتباط و تعامل دارند، که در مجموع شکل‌دهنده یک نظام نخبگانی هستند. براساس نتایج این پژوهش، نظام نخبگانی لازم است تا برخوردار از کارکردهای (۱) شناسایی، (۲) جذب، (۳) هدایت، (۴) به کارگیری، (۵) حمایت، (۶) تکریم، (۷) الگوسازی و (۸) نگهداشت باشد. هریک از کارکردها براساس فهم و ادراکی از مفهوم نخبگی و نخبه در سطح جامعه عملیاتی می‌شود. پس این درک عمومی از مفاهیم است که نهادها، ارتباطات میان آنها و ماموریت‌های آنان را شکل می‌دهد. اما رشد و توسعه فهم مبتنی بر مطالعات و تجربیات، بازنگری در این مفاهیم بنیادی را ضروری می‌سازد. در این مقاله برپایه یک تحلیل سیستمی به بازاندیشی در مفهوم نخبه و نخبگی اقدام شده است و نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اصلی‌ترین مشکل در رویکردهای مربوط به نظام نخبگانی، ناشی از فهم متداول از واژه نخبه است، که عمدتاً مبتنی بر تیزهوشی و نهایتاً استعداد درخشان استوار شده است و به سایر جنبه‌های نخبگی یعنی خبرگی و کنشگری اجتماعی توجهی نشده است.

تحقیق دیگری که در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته است با عنوان «طراحی الگوی مدیریت استعداد کارآفرینانه‌ی دانشجویان مؤسسات آموزش عالی کشور